

مقدمه

وظایف نظام بانکی از یک طرف اعمال سیاست‌های پولی و اعتباری در راستای کنترل تورم و حفظ ارزش پول ملی به عنوان وظیفه بانک مرکزی و از طرف دیگر تجهیز منابع مالی و تخصیص بهینه آن در سیستم اقتصادی، در راستای پشتیبانی و تسهیل امور مصرفی و تولیدی به عنوان وظیفه بانک‌های تجاری و مؤسسات مالی و اعتباری است. همین دو وظیفه عمده نظام بانکی، به‌وضوح بیانگر اهمیت آن در ایجاد کارآیی اقتصاد کشور است، به طوری که کارآیی و ثبات نظام بانکی، مقوم و پشتیبان کارآیی و ثبات بخش واقعی اقتصاد بوده و بر خلاف آن بی‌ثباتی و عدم کارآیی نظام بانکی موجب بروز بی‌ثباتی و ناکارآیی در بخش واقعی اقتصاد می‌گردد (زمان زاده، ۱۳۸۹). از آن جایی که پیشرفت هر اقتصادی با سیستم مالی و بانکداری آن مرتبط است، آگاهی از نواقص سیستم قانونی کشورهای اسلامی امری ضروری برای مدیران هر جامعه اسلامی بوده و باید در رفع و کاهش این نوع ریسک اقدامات لازم را انجام دهند تا راه برای ورود بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی به بازارهای جهانی هموار شود (مشرف جوادی، ۱۳۸۸، ص ۱۲).

بانکداری در ذات خود با ریسک‌های متعددی مواجه می‌باشد و امروزه با ورود تکنولوژی پیشرفته و پیچیده‌تر شدن این فعالیت و از جمله ظهور بانکداری الکترونیکی، پدیده ریسک بیش از پیش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است. عدم توجه لازم و کافی به مقوله ریسک در سیستم مالی و به‌ویژه بانک‌ها در جهان، بحران‌های مالی کوچک و بزرگ در سطح کشوری و در مواردی در سطح منطقه‌ای - مانند بحران سال ۱۹۹۷ آسیای جنوب شرقی - را به‌همراه داشته است. هرچند که ناکامی‌های نظام بانکی ممکن است به صورت یک حادثه غیر مترقبه و ناگهانی ظاهر شوند، اما غالباً اطلاعاتی مناسب در دسترس است که می‌تواند آسیب‌پذیری نظام بانکی را در مقابل بحران از قبل اعلام کند. در این رابطه باید شاخص‌های قابل اعتمادی را (مثلاً در مورد تغییرات سرمایه و افزایش مطالبات معوق) شناسایی نمود و مراقب تغییرات و وضعیت آن‌ها بود (شاهرخی، ۱۳۸۵). بسیاری از عملیات بانک‌های اسلامی مشابه عملیات بانک‌های متعارف است و مدیریت ریسک در این قبیل عملیات قبلاً بارها در ادبیات مختلف بانکداری و اقتصادی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است، لکن در زمینه مدیریت ریسک در عملیات غیرمشابه این بانک‌ها با بانک‌های متعارف، یعنی آن دسته از عملیاتی که به اصطلاح عملیات مشارکتی یا مالکیتی است که خود متضمن ریسک‌های مشترک و ریسک‌های خاص می‌باشد و در اجرای آن‌ها باید از احکام اسلامی تبعیت شود، بحث زیادی به عمل نیامده است (نجم آبادی، ۱۳۸۱، ص ۱۶).

لذا با توجه به اهمیت و تأثیرگذاری سیاست‌های بخش پولی و بانکی در اقتصاد، پرداختن به مسأله ریسک‌های بانکی، به عنوان موانع تحقق اهداف عملیات بانکی، بسیار ضروری است. در این

پژوهش که از لحاظ ماهیت توسعه‌ای و از لحاظ روش توصیفی، تحلیلی است، سعی شده است تا ضمن معرفی انواع ریسک‌های خاص بانکی در بانکداری بدون ربا به تحلیل جایگاه و ضرورت پوشش ریسک‌های خاص بانکی با توجه به شرایط حاضر بانکداری بدون ربا پرداخته شود.

سابقه پژوهش

مطالعات فراوانی درباره ریسک‌های موجود در بانکداری اسلامی و پوشش آن‌ها صورت گرفته است؛ اما مطالعات صورت گرفته در حوزه ریسک‌های بانکی به بررسی مبنایی منشأ ریسک و نقش آن در الگوی کنونی بانکداری بدون ربا ایران و تأثیرات مثبت پوشش آن نپرداخته‌اند. تنها ابوالحسنی و حسنی‌مقدم (۱۳۸۷) به روش‌ها و تکنیک‌هایی جهت کاربرد در بانکداری بدون ربا اشاره کرده‌اند. همچنین نجم‌آبادی (۱۳۸۱) نیز برای کاهش ریسک‌های در معرض بانکداری اسلامی دو راه حل ارائه می‌دهد.

ابوالحسنی و حسنی‌مقدم (۱۳۸۷) در مقاله «بررسی انواع ریسک و روش‌های مدیریت آن در بانکداری بدون ربا» ضمن بررسی ریسک‌های مرتبط با روش‌های گوناگون تخصیص منابع در بانکداری بدون ربا ایران، روش‌ها و ابزارهای خاصی را متناسب با فقه اسلامی، جهت مدیریت این ریسک‌ها ارائه می‌کنند. آنان برخی از روش‌های مدیریت ریسک متداول مانند: تبدیل به اوراق بهادار کردن دارایی‌ها، برای کاربرد در بانکداری بدون ربا را مناسب دانسته، به روش‌ها و تکنیک‌هایی جهت کاربرد در بانکداری بدون ربا اشاره کرده‌اند.

مهدوی‌نجم‌آبادی (۱۳۸۱) در مقاله «تفاوت‌های اساسی توزیع ریسک در دو نظام بانکداری اسلامی و سنتی»، به بررسی چهار نوع ریسک مالی، عملیاتی، بازار و برون‌سازمانی در بانکداری اسلامی و سنتی پرداخته و به این نتیجه می‌رسد که مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی با توجه به ویژگی‌های خاص آن بسیار مشکل‌تر از بانکداری سنتی است. راهکار وی برای کاهش ریسک‌های در معرض بانکداری اسلامی، شراکت در ریسک با گیرنده تسهیلات از راه گرفتن وثیقه به وسیله بانک و اجرای نظام وکالتی است.

پژوهشی که قرابت بیشتری با این موضوع دارد، پژوهش حسین زاده بحرینی (۱۳۹۳) می‌باشد که در آن عامل اصلی نارسایی‌های بانکداری بدون ربا فعلی در اجرای حقیقی عقود اسلامی را فضای استراتژیک بانکداری بدون ربا دانسته و بیان می‌دارد که بانکداری بدون ربا همواره با دو مسئله خطر اخلاقی و انتخاب معکوس مواجه می‌باشد. در نتیجه به صورت غیررسمی به فضای غیراستراتژیک بازگشت کرده است. اما به باور نگارندگان با این وجود بررسی‌های انجام شده، جامعیت کافی برای تحلیل نقش ریسک‌های خاص بانکداری بدون ربا را به نحوی که امکان اجرای

حقیقی عملیات بانکداری بدون ربا و حفظ ماهیت اصلی عقود اسلامی تأمین گردد ندارند؛ در حقیقت باید گفت ساختار فعلی نظام بانکداری بدون ربا قابلیت اجرای حقیقی این عملیات بانکی یا عقود اسلامی را به دلیل مواجهه با ریسک‌های متعدد نداشته و چاره‌ای جز تغییر ساختاری ندارد. این پژوهش ضمن بررسی انواع ریسک‌ها در دو نوع بانکداری متعارف و بدون ربا، تحلیلی از جایگاه ریسک در بانکداری بدون ربای فعلی و ضرورت پوشش این ریسک‌ها با راهکارهایی ساختاری ارائه می‌دهد.

ریسک در بانکداری بدون ربا

اگر ما ریسک را امکان وقوع زیان تعریف کنیم، آن گاه از دیدگاه اسلامی چنین ریسکی نامطلوب است. اصول اسلامی به حفظ و توسعه ثروت دعوت می‌کنند. ارزش هر تصمیم اقتصادی اساساً به دلیل مخاطره آمیز بودن آن نیست، بلکه به واسطه ثروتی که خلق می‌کند و ارزشی که به واسطه آن خلق می‌شود، تعیین می‌گردد. ریسک در ارزش، منعکس است ولی ریسک فی نفسه تعیین کننده ارزش نیست. این موضوع تفاوت بین ریسک مشروع و نامشروع را مشخص می‌کند. ریسک مشروع زمانی است که ضرورتاً به خلق ارزش بیانجامد ولی وقتی که ارزش افزوده ای نباشد شرط بندی است (سویلیم، ۱۳۸۷، صص ۷۰-۷۱). اما برای بررسی بهتر مفهوم ریسک در نظام بانکداری، لازم است تفاوت میان مفهوم غرر و ریسک تبیین گردد. فریب و غرر در مواردی اتفاق می‌افتد که ظاهر معامله فریبنده و باطن آن مجهول باشد، به گونه‌ای که آن را در معرض خطر معاملی، یعنی اختلاف بعد از معامله قرار دهد، به شکلی که در هنگام نزاع نتوان راه حلی برای آن جستجو کرد و حاصل این فرایند چیزی جز ضرر و خطر نیست. تردیدی نیست که در عقد بیع هیچ گونه ابهامی نباید اصل عقد یعنی ثمن، مثنی و نحوه انتقال آن را مورد هدف قرار دهد. همچنان که تردیدی نیست که نتایج مبهم بعدی عقود از این فهم عرفی به دور است؛ از جمله در معاملاتی مثل مزارعه، مساقات، مضاربه، شرکت و... این‌ها قراردادهایی شرعی هستند که ابهام در نتایج آن‌ها آگاهانه بوده و برای همین نیز تقسیم سود در این‌ها براساس نسبت‌های درصدی تعیین می‌شود (تسخیری، ۱۳۹۲، صص ۷-۸).

تحقیقات نشان می‌دهند ریسک در نظام بانکداری بدون ربای ایران، ماهیت منحصر به فردی دارد. در دیدگاه خاص بانکداری بدون ربا، مشتریان سرمایه‌گذار تلقی می‌شوند و بانک از سوی آن‌ها به تخصیص و بکارگیری پول و منابع مالی در فعالیت‌های سودآور مبادرت می‌ورزد. از این رو، برخی از تمهیدات و ابزارهای بانکداری متعارف در سیستم بانکداری بدون ربا کاربرد ندارند. روش‌های تجهیز و توزیع منابع پولی در بانکداری بدون ربا از زمینه سرمایه‌گذاری برخوردارند و

مدیریت ریسک ویژه‌ای را طلب می‌کنند. در واقع، بانکداری بدون ربا با اتکای بر فعالیت‌های سرمایه‌گذاری در معرض کلیه ریسک‌ها به شفافیت محیط مالی و اقتصادی بستگی دارد. (کدخدایی، ۱۳۸۰، ص ۵). استفاده از اصل مشارکت در سود برای پاداش سپرده‌گذاران، منحصر به بانکداری بدون ربا است. به کارگیری این جنبه منحصربفرد بانکداری بدون ربا در روش‌های مختلف تأمین مالی، ماهیت ریسک‌های در معرض بانکداری بدون ربا را تغییر داده است (خان و احمد، ۱۳۸۷، ص ۲۵).

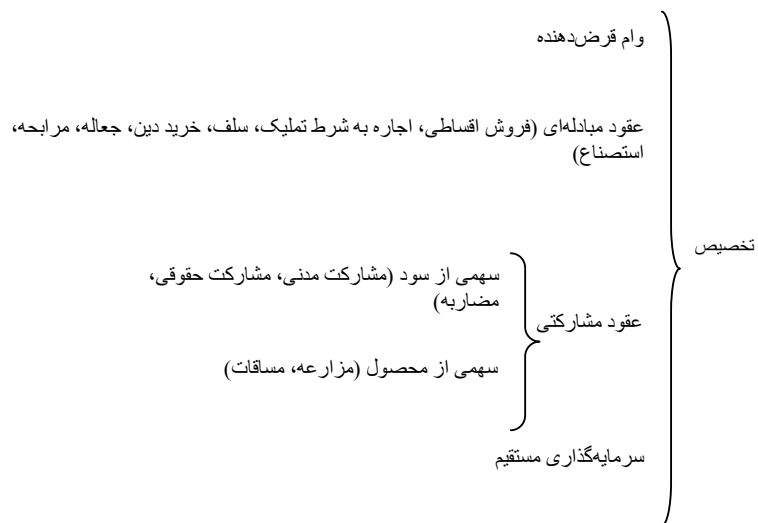
زمینه پذیرش ریسک بیشتر، الزام وثیقه‌گیری کمتر و تسهیم زیان به مانند سود و در واقع، نقش پوششی شوک‌های مالی ناشی از پروژه‌های تأمین مالی شده، مجموعه مخاطرات در بانکداری بدون ربا را بازگو می‌کنند. در این مجموعه، شرایط عدم اطمینان، امکان تراکم ریسک‌های نامطلوب، دشواری شناسایی و ارزیابی فرصت‌های بازار مربوط به پروژه‌های سرمایه‌گذاری، مسائل قیمت‌گذاری و ارزیابی سود، نظارت بر فعالیت سرمایه‌گذار و مدیریت فعالیت‌های مشمول تسهیلات بانکی نیز بر دامنه مخاطرات می‌افزایند (کدخدایی، ۱۳۸۰، ص ۴). عوامل عمومی‌تر دیگری نیز وجود دارند که عملیات بانکداری بدون ربا را پرخطرتر، یا کم منفعت‌تر از بانکداری متعارف می‌نماید. این عوامل عبارت‌اند از:

- کمبود ابزارها و روش‌های حمایتی و مقابله با ریسک، مثل منع ربا در شریعت اسلامی
- عدم و یا کمبود عملیات بین بانکی و بازار پول و اوراق قرضه دولتی
- محدودیت یا عدم وجود تسهیلات وام دهنده نهایی یا بانک مرکزی (حسن زاده و سپهری، ۱۳۸۳، ص ۹۳).

مهم‌ترین ریسک‌های خاص بانکی در بانکداری بدون ربا ایران

با توجه به اینکه بحث مدیریت ریسک بیشتر در بخش تخصیص و تجهیز منابع (منابع و مصارف) کاربرد دارد، از بررسی خدمات بانکی در بانکداری بدون ربا ایران صرف‌نظر کرده و به بررسی ریسک‌های خاص بانکداری بدون ربا ایران در بخش تجهیز و تخصیص منابع (منابع و مصارف) می‌پردازیم. در قسمت تجهیز منابع، با توجه به ماده‌های سه تا شش قانون بانکداری بدون ربا، سه نوع سپرده در نظام بانکی ایران وجود دارد: سپرده قرض‌الحسنه جاری، سپرده قرض‌الحسنه پس‌انداز و سپرده سرمایه‌گذاری. همچنین در قسمت تخصیص منابع، با توجه به ماده‌های هفت تا هفده قانون بانکداری بدون ربا، نظام بانکی می‌تواند وجوه و منابع حاصل از سپرده‌ها را با استفاده از روش‌های ذیل تخصیص دهد؛ شکل ذیل این روش‌ها را به‌طور خلاصه نشان می‌دهد:

شکل ۱: روش‌های تخصیص منابع در نظام بانکداری بدون ربا ی فعلی



(منبع: قانون عملیات بانکی بدون ربا، ۱۳۸۳)

در ادامه به طور خلاصه مهم‌ترین ریسک‌های خاص بانکی بانکداری بدون ربا را در تجهیز و توزیع منابع می‌آوریم. علاوه بر این ریسک‌ها، ریسک‌هایی نیز وجود دارند که مربوط به کل نظام بانکداری بدون ربا می‌باشند؛ این ریسک‌های عمومی نیز در قسمت ریسک‌های عمومی بانکداری بدون ربا ذکر شدند. همچنین لازم به ذکر است جهت رعایت اختصار از توضیح ریسک‌های مشابه در عقود صرف نظر کرده و برای آگاهی از ریسک‌های مخصوص به هر یک از عقود به جدول ۱ ارجاع می‌دهیم.

جدول ۱: مهم‌ترین ریسک‌های خاص بانکی در ایران

افلام اصلی	روش‌های تجهیز و تخصیص منابع	انواع ریسک
------------	-----------------------------	------------

بانکداری بدون ربا	ریسک‌های عمومی	عملیاتی (شفافیت، پرداخت مصلحتی، شریعت و امانت)، اعتباری، نقدینگی، نرخ بازدهی، نرخ پایه، برداشت، قانونی، دولت
-------------------	----------------	--

منابع (بدهی‌ها)	قرض الحسنه	سرمایه‌گذاری مجدد، عدم بازپرداخت
	سپرده قرض الحسنه پس‌انداز	مالی و ورشکستگی، مقررات، صنعت، سیستماتیک، اقتصادی و اجتماعی، عملیاتی
	سپرده قرض الحسنه جاری	مالی و ورشکستگی، مقررات، صنعت، سیستماتیک، اقتصادی و اجتماعی، عملیاتی
	سپرده سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت	مالی و ورشکستگی، مقررات، صنعت، سیستماتیک، اقتصادی و اجتماعی، عملیاتی
	سپرده سرمایه‌گذاری بلندمدت	مالی و ورشکستگی، مقررات، صنعت، سیستماتیک، اقتصادی و اجتماعی، عملیاتی

مصارف (دارایی‌ها)	عقود مشارکتی	قرض	قرض الحسنه	اعتباری
		مشارکت مدنی	مشارکت مدنی	صنعت، سیستماتیک، تنزل سرمایه، سرمایه‌گذاری مجدد، بازار، تورم، نوسانات نرخ بهره و ارز، نرخ بازدهی، عملیاتی
				صنعت، سیستماتیک، تنزل سرمایه، سرمایه‌گذاری مجدد، بازار، تورم، نوسانات نرخ بهره و ارز، نرخ بازدهی، عملیاتی
		مضاربه	مضاربه	صنعت، سیستماتیک، تنزل سرمایه، سرمایه‌گذاری مجدد، بازار، تورم، نوسانات نرخ بهره و ارز، اخلاقی، اعتباری، نرخ بازدهی، عملیاتی
				صنعت، سیستماتیک، سرمایه‌گذاری مجدد، بازار، اعتباری، نرخ بازدهی، عملیاتی، نقدینگی
				صنعت، سیستماتیک، سرمایه‌گذاری مجدد، بازار، اعتباری، نرخ بازدهی، عملیاتی، نقدینگی
	عقود میادله‌ای	اجاره	اجاره	سیستماتیک، سرمایه‌گذاری مجدد، نرخ بازدهی، اعتباری، قیمت، عدم جمع‌آوری وجوه به میزان کافی، عملیاتی
				سیستماتیک، سرمایه‌گذاری مجدد، نقدینگی، اعتباری، نرخ بازدهی، عملیاتی

نقدینگی، سرمایه‌گذاری مجدد، بازار، طرف مقابل، قیمت، اعتباری، عملیاتی	سلف		
سیستماتیک، سرمایه‌گذاری مجدد، عدم شفافیت، نقدینگی، تورم، نوسانات نرخ ارز و بهره، نرخ بازدهی	فروش اقساطی		
سیستماتیک، سرمایه‌گذاری مجدد، تورم، ورشکستگی و مالی، اعتباری، قیمت	خرید دین		
طرف مقابل، قیمت، نرخ بازدهی، عملیاتی	مراجعه		
قیمت، عملیاتی	استصناع		
صنعت، سیستماتیک، تنزل سرمایه، سرمایه‌گذاری مجدد، بازار، تورم، نوسانات نرخ بهره و ارز، عملیاتی	سرمایه‌گذاری مستقیم	سرمایه گذاری	

(منبع: یافته‌های پژوهش)

مهم‌ترین ریسک‌های عمومی بانکداری بدون ربا

در این جا به معرفی مهم‌ترین ریسک‌های عمومی بانکداری بدون ربا می‌پردازیم. بانکداری بدون ربا در اجرای هر یک از عملیات بانکی خود می‌تواند با ریسک‌های زیر روبرو باشد:

ریسک عملیاتی

ریسک عملیاتی به‌طور معمول از خطای تکنولوژیکی، انسانی یا یک اتفاق پدید می‌آید. بانکداری بدون ربای ایران نیز با توجه به ویژگی‌های خاص آن به‌طور نسبی با ریسک عملیاتی فراوانی روبه‌رو است (طالبی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۰). بعد از ریسک اعتباری مهم‌ترین ریسکی که عقود مشارکتی به‌ویژه قراردادهای سهمی از سود با آن روبه‌رو هستند، ریسک عملیاتی است. با توجه به ویژگی‌های خاص قراردادهای سهمی از سود که نیاز به کنترل و نظارت از طرف بانک دارند و نیز با عنایت به عدم تخصص کافی و آموزش مناسب کارکنان بانکی ایران و فقدان نظام پایش و کنترل جامع در بانکداری، به نظر می‌رسد ریسک عملیاتی این عقود به‌طور نسبی فراوان باشد (ابوالحسنی و حسنی مقدم، ۱۳۸۷، ص ۱۸). مهم‌ترین عللی که باعث افزایش این ریسک در بانکداری بدون ربای ایران می‌شود عبارت‌اند از:

- عدم تخصص کافی و آموزش مناسب کارکنان بانکی ایران در اجرای عقود اسلامی؛
- عدم وجود نرم‌افزارهای جامع حسابداری مطابق با قراردادهای مالی اسلامی؛

- عدم وجود یک سامانه پایش^۱ و کنترل جامع برای نظارت بر قراردادهای مالی بر مبنای قوانین اسلامی و به‌طور کلی بر کارکنان و بانکداری (طالبی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۰).
- انواع ریسک‌های عملیاتی در بانکداری بدون ربای ایران به شرح زیر است:**
- ریسک شفافیت**

ریسک شفافیت به محیط عملیاتی بانکداری بدون ربا ناظر است و به نوع خاصی از ابزارهای مورد استفاده در بانکداری بدون ربا اختصاص ندارد. کمبود شفافیت می‌تواند باعث تحمیل هزینه‌هایی شود که از تصمیم‌گیری‌های بد براساس اطلاعات ناقص یا نادرست ناشی است. کمبود شفافیت از دو منبع سرچشمه می‌گیرد: استفاده از رویه‌های غیراستاندارد برای گزارش دهی قراردادهای مالی اسلامی؛ نبود استانداردهای یکسان گزارش دهی میان بانک‌ها. ابزارهای مالی اسلامی مستلزم پیمان‌های گزارش دهی متفاوت هستند تا تصویر مالی صحیحی از بانک ارائه کنند. شفافیت نیازمند این است که تمام بانک‌ها در نظام، از استانداردهای یکسانی استفاده کنند که هم‌اکنون اینگونه نیست (طالبی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۰).

ریسک پرداخت مصلحتی (یا ریسک تجاری جایگزین)

بانکداری بدون ربا به‌طور خاص ممکن است در بخش سپرده‌های سرمایه‌گذاری با ریسک تجاری جایگزین روبه‌رو شود. در این حالت بانک مجبور است به علت آن‌که سهم بازار خود را در میان کل منابع سپرده‌گذاری بانک‌ها حفظ کند، از محل کارمزد خود یا حتی سود حاصل از به‌کارگیری سپرده‌های جاری، کمبود سود سپرده‌گذاران را جبران کند و این مسئله همان ریسک پرداخت مصلحتی (تجاری جایگزین) برای بانک‌های اسلامی است. این ریسک در حقیقت در دو صورت پدید می‌آید: ریسک نرخ بازدهی برای بانک پدید آید. این مسئله هنگامی اتفاق می‌افتد که وجوه بانک در دارایی‌های بلندمدت سرما به‌گذاری شود و نرخ بازدهی توانایی رقابت با سرمایه‌گذاری‌های جایگزین را نداشته باشد. هنگامی که بانک نتواند در طی دوره زمانی مشخص، سود مورد انتظار را برای توزیع میان صاحبان حساب به دست آورد (طالبی و دیگران، ۱۳۹۰، صص ۱۰-۱۱)

ریسک شریعت (یا ریسک انطباق با قوانین یا شهرت یا اعتماد)

یکی از مهم‌ترین مسایلی که بانکداری بدون ربای ایران با آن روبه‌رو است، کاهش اعتماد سپرده‌گذاران و مردم به بانکداری است. به عبارت دیگر عدم توانایی بانک‌های ایران در تنظیم

قراردادهای گوناگون مالی طبق قانون‌های اسلامی باعث عدم اطمینان سپرده‌گذاران و مشتریان به بانکداری می‌شود. به عبارت دیگر صوری شدن عقود در بانک‌های ایران باعث کاهش اطمینان مردم به بانکداری شده و این مسئله خود باعث برداشت وجوه و سپرده‌ها به وسیله سپرده‌گذارانی که به قانون‌ها و مقررات اسلامی پایبند هستند، می‌شود (Khan & Ahmed, 2001: 126). به نقل از ابوالحسنی و حسنی مقدم، ۱۳۸۷، ص ۱۴). اصل اول بانک‌های اسلامی ارائه محصولات و خدمات شرعی به مشتریان است. مشتریان در صورتی با بانک اسلامی معامله می‌کنند که در این باره نسبت به بانک اعتماد کامل داشته باشند. این حقیقت، بانک‌های اسلامی را با ریسک شریعت روبه‌رو می‌کند. ریسک شریعت به دو دسته تقسیم می‌شود: الف) ریسک‌های ناشی از تفاوت دیدگاه‌های مذاهب گوناگون از قوانین شریعت؛ ب) ناتوانی بانک‌ها از تطابق اصول حاکم بر بانک‌ها با قوانین شرعی. این نوع می‌تواند بانک را با ریسک شهرت و ریسک ورشکستگی نیز روبه‌رو کند (El Tiby 2010, p.60). به نقل از طالبی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۱). برای مثال در بانکداری ایران گاهی اوقات نرخ کارمزد تسهیلات، نرخ کارمزد واقعی نبوده و بانک نرخ بی‌بالاتر از کارمزد واقعی از مشتریان طلب می‌کند؛ در نتیجه بانک با ریسک شریعت روبه‌رو خواهد بود (طالبی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۳). ریسک امانت (یا ریسک اعتبار)

ریسک اعتبار می‌تواند معلول نقض یک قرارداد توسط بانک باشد. به عنوان مثال، ممکن است بانک قادر به تطابق کامل قراردادهای مختلف با شرایط شریعت نباشد. در حالی که مجوز فعالیت‌های بانک‌های اسلامی بر مبنای پذیرش شریعت می‌باشد، عدم توانایی در کسب مجوز و یا عدم انجام آن فعالیت‌ها منجر به بروز ناطمینانی و برداشت سپرده‌ها می‌گردد (خان، ۱۳۸۷، ص ۸۲). بسیاری از سپرده‌گذاران، وجوه خود را به قصد شرکت در امور خیرخواهانه به صورت سپرده قرض الحسنه در بانک قرار می‌دهند. از آنجایی که براساس عقد قرض، مالکیت پول به بانک منتقل می‌شود؛ بنابراین اجازه هرگونه تصرف در آن را دارد. این امر در مواردی ممکن است سبب شود که بانک برخلاف نیت سپرده‌گذار عمل کرده و منابع قرض الحسنه را در کارهای خیر صرف نکند؛ در نتیجه برخلاف نیت سپرده‌گذار عمل شده و بانک در معرض ریسک امانت قرار می‌گیرد. در سرمایه‌گذاری‌های مشارکتی مانند مضاربه، از بانک انتظار می‌رود تا نظارت مناسبی روی عملکرد عامل داشته باشد تا عامل، سرمایه را واقعاً در تجارت به کار گیرد؛ نه در محلی غیر از آن. هرگونه کوتاهی در این امر باعث ریسک امانتداری می‌شود (طالبی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۹).

ریسک اعتباری

ریسک اعتباری در قالب ریسک پرداخت تسویه‌آهنگی به وجود می‌آید که یک طرف قرارداد نسبت به پرداخت وجه (به عنوان مثال در قراردادهای سلم و استصناع) یا تحویل دارایی (به عنوان مثال در قراردادهای مضاربه) قبل از دریافت دارایی و یا وجه نقد از طرف مقابل، اقدام می‌نماید و خود را در معرض ریسک بالقوه‌ای قرار می‌دهد (خان، ۱۳۸۷، ص ۷۹). در قراردادهای سهمی از سود (به‌ویژه مضاربه و مشارکت مدنی) عدم تحقق سود یا عدم پرداخت به موقع و کامل سهم سود بانک به‌وسیله شریک یا مضارب، باعث ریسک اعتباری می‌شود. این مشکل نیز به علت مسئله اطلاعات نامتقارن برای بانک پدید می‌آید (ابوالحسنی و حسنی مقدم، ۱۳۸۷، ص ۱۸).

ریسک اعتباری برای عقود مبادله‌ای به علت ناطمینانی در پرداخت اصل و سود حاصل از دریافت تسهیلات به‌طور کامل و در موعد مقرر به‌وسیله فرد متقاضی پدید می‌آید (ابوالحسنی و حسنی مقدم، ۱۳۸۷، ص ۱۲). در روش تأمین مالی از طریق مشارکت در سود و زیان (مثل مضاربه) ریسک اعتباری یا عدم پرداخت سهم بانک توسط کارفرما در موعد مقتضی روی می‌دهد. از آنجا که قراردادهای مضاربه قراردادهای تجاری به حساب می‌آیند، ریسک اعتباری در قالب ریسک طرفین معامله و به خاطر ضعف عملکرد یکی از طرفین معامله بروز می‌کند. همچنین امکان دارد که ضعف عملکرد معلول منابع سیستماتیک خارجی باشد (خان، ۱۳۸۷، ص ۷۹).

ریسک نقدینگی

ریسک نقدینگی معلول دشواری در کسب نقدینگی با هزینه منطقی از محل استقراض یا فروش دارایی‌ها می‌باشد. ریسک نقدینگی حاصل از دو منبع فوق نقش حیاتی برای بانکداری بدون ربا دارد. از آنجا که پرداخت وام‌های مبتنی بر نرخ بهره در شریعت منع شده‌اند، بانک‌های اسلامی نمی‌توانند در مواقع ضروری و برای حل مشکل نقدینگی خود نسبت به استقراض منابع مالی اقدام نمایند؛ از این رو، افزایش منابع مالی از طریق فروش دارایی‌های مبتنی بر بدهی، انتخاب پیش روی نهادهای مالی اسلامی نمی‌باشد (خان، ۱۳۸۷، ص ۸۰) بنابراین، باید از روش‌های دیگر برای کسب نقدینگی استفاده کند. بانکداری بدون ربای ایران نیز افزون بر مسئله پیش‌گفته با یک‌سری مشکلات ساختاری روبرو است که این مشکلات ریسک نقدینگی را افزایش می‌دهد. یکی از مهم‌ترین این مشکلات فقدان بازارهای پولی بین بانکی است (ابوالحسنی و حسنی مقدم، ۱۳۸۷، ص ۱۳). نگهداشت سرمایه حتی برای مدت بسیار کوتاه در دنیای پر سرعت امروز هزینه فرصت بالایی دارد. بانک‌های متعارف از ظرفیت بازار پولی بین خودشان حداکثر استفاده را می‌برند و از وام

دادن وجوه کلان در چند ساعت سودهای بزرگی را نصیب خود می‌کنند. بانک‌های اسلامی نیازمند طراحی بازارهای مجزا و اسلامی برای انجام مبادلات بین بانکی خود با هدف کنترل ریسک نقدینگی می‌باشند (کاظمی نژاد، ۱۳۸۸، ص ۶). به‌طور کلی بانک‌های اسلامی مانند سایر بانک‌ها نیازهای نقدینگی خود را برآورده می‌سازند، اما آن‌ها در این خصوص به دلایل زیر همواره با مشکلات بی‌شماری روبرو بوده‌اند:

۱. ارائه تسهیلات و سرمایه‌گذاری با سررسید نسبتاً بلند مدت
۲. جذب منابع به‌صورت سپرده‌های کوتاه و میان مدت
۳. نبود بازار ثانویه فعال (با قدرت نقل و انتقال بالا) برای وام‌ها و تسهیلات اعطایی
۴. پایین بودن قدرت نقد شوندگی دارایی‌های مالی اسلامی (به دلیل پاره‌ای مسائل فقهی و اجرایی)
۵. ممنوعیت سرمایه‌گذاری با ابزارهای مبتنی بر بهره
۶. صورت گرفتن معاملات اسلامی از طریق مبادله مالکیت دارایی حقیقی
۷. نبود یک بازار سرمایه و پول مناسب (کاظمی نژاد، ۱۳۸۸، ص ۷).

ریسک نرخ بازدهی (یا ریسک عدم تعدیل)

ریسک نرخ بازدهی ناشی از عدم اطمینان نسبت به بازدهی دارایی‌ها در بانک‌های اسلامی است. هر چه انحراف سپرده‌گذاران از بازدهی مورد انتظار بیشتر شود، بانک با ریسک نرخ بازدهی بزرگ‌تری روبرو می‌شود (Greuning & Iqbal, 2008, p.159). به نقل از حسین پور و کاوند، ۱۳۹۲، ص ۱۲). ریسک نرخ بازدهی به سه علت با ریسک نرخ بهره متفاوت است. نخست، از آنجایی که بانک‌های متعارف در طرف دارایی‌هایشان، اوراق با درآمد ثابت بر مبنای بهره در اختیار دارند، در معرض ریسک کمتری نسبت به بازدهی حاصله از سرمایه‌گذاری تا زمان سررسید قرار دارند. در حالی که بانک‌های اسلامی ترکیبی از سرمایه‌گذاری مبتنی بر مراحله و مشارکت دارند که این ریسک درباره آن‌ها بیشتر است. دوم، بازدهی سپرده‌ها در بانکداری متعارف از پیش تعیین می‌شود. در صورتی که بازدهی سپرده‌ها در بانک‌های اسلامی علی‌الحساب بوده و از پیش توافقی درباره آن صورت نمی‌گیرد. سوم، به این علت که بازدهی برخی از سرمایه‌گذاری‌های مبتنی بر مشارکت در سرمایه تا پایان دوره سرمایه‌گذاری به درستی معلوم نیست، بانک‌های اسلامی مجبور هستند تا پایان دوره سرمایه‌گذاری، برای تعیین میزان بازدهی سپرده‌گذاران صبر کنند. اگر در طول این دوره نرخ بازدهی تغییر کند، سرمایه‌گذاران ممکن است انتظار دریافت بازدهی متفاوت از بانک داشته باشند (El Tiby, 2011, p.39)، به نقل از حسین پور و کاوند، ۱۳۹۲، ص ۱۳).

در قراردادهای سرمایه گذاری مستقیم نیز در صورتی که قیمت دارایی خریداری شده در مشارکت مستقیم در بازار کاهش یابد، ممکن است بانک با ریسک قیمت روبرو شده و در نتیجه ممکن است نتواند بازدهی مورد انتظار سهام داران خود را اکتساب کند؛ در نتیجه بانک با ریسک بازدهی نیز روبرو می شود. اگر طرح به موقع به بهره برداری نرسد و جریان های نقدی آن طبق زمان بندی طرح نباشد، نرخ بازدهی کمتر از میزان پیش بینی شده می شود و ریسک نرخ بازدهی پدید می آید (حسین پور و کاوند، ۱۳۹۲، ص ۱۵).

ریسک نرخ پایه

از آن جا که بانک های اسلامی با نرخ بهره سروکاری ندارند، ممکن است چنین به نظر برسد که به خاطر تغییر در نرخ بهره، در معرض ریسک بازار قرار نمی گیرند. به هر جهت، تغییرات در نرخ بهره بازار، درآمد نهادهای مالی اسلامی را در معرض خطر قرار خواهد داد. چرا که نهادهای مالی از یک نرخ پایه، برای قیمت گذاری ابزارهای مالی متفاوت استفاده می نمایند؛ به خصوص در قرارداد مضاربه، حاشیه سود با افزودن صرف ریسک به نرخ پایه تعیین می شود. ماهیت دارایی های با درآمد ثابت به گونه ای است که حاشیه سود برای طول مدت قرارداد ثابت می باشد. در این صورت، اگر نرخ پایه تغییر نماید امکان تطبیق حاشیه سود وضع شده بر روی قراردادهای با درآمد ثابت وجود ندارد. در نتیجه بانک های اسلامی به خاطر تغییرات نرخ بهره بازار با ریسک هایی روبرو می شوند (خان، ۱۳۸۷، ص ۸۰). البته لازم به ذکر است قیمت گذاری بر مبنای یک نرخ پایه و در نتیجه ریسک نرخ پایه در بانکداری بدون ربای ایران وجود ندارد.

ریسک برداشت (یا ریسک تجاری جابجایی)

نرخ بازده متفاوت حساب های سرمایه گذاری و پس انداز، عدم اطمینانی را نسبت به ارزش واقعی سپرده ها ایجاد می نماید. صیانت از دارایی ها برای کاهش ریسک ضرر ناشی از نرخ بازده پایین تر، عامل بالقوه مهمی در تصمیم بر برداشت سپرده ها می باشد. از نگاه بانک، این معرف ریسک برداشت است و به نرخ پایین بازده بانک های اسلامی نسبت به سایر نهادهای مالی مرتبط است (خان، ۱۳۸۷، ص ۸۱). فشار رقابتی مربوط به نرخ بازدهی هم از سوی مؤسسات مالی و بانک های اسلامی و هم متعارف به بانک اسلامی وارد می شود. این نوع ریسک نیز از نوع ریسک های تجاری می باشد (Greuning, 2008, p.178). به طور کلی این ریسک در طول ریسک کاهش سپرده قرار می گیرد؛ در بانکداری بدون ربای ایران، بانک در جایگاه وکیل ایفای نقش می کند. بدین صورت که با دریافت حق وکالت از طرف موکل (سپرده گذار) مدیریت وجوه و سرمایه را به عهده می گیرد.

اکنون اگر بانک به علت ضعف مدیریت و کاهش کارایی نتواند وجوه را به درستی مدیریت کرده و آن‌ها را در فعالیت‌های پر سود به کار گیرد یا به بیان دیگر، نقش وکیل را به درستی ایفا نکند، سپرده‌گذاران وجوه خود را از بانک خارج می‌کنند. با حضور و ایجاد بانک‌های خصوصی در ایران این مسئله بسیار مشهود است. به‌طوری که به علت کاهش کارایی در بانک‌های دولتی، سپرده‌گذاران وجوه و سپرده‌های خود را به بانک‌های خصوصی که توانایی بهتری در مدیریت وجوه دارند، انتقال می‌دهند. این مسئله باعث ریسک کاهش سپرده در بانک‌های دولتی ایران شده است (ابوالحسنی و حسنی مقدم، ۱۳۸۷، ص ۱۴).

ریسک قانونی

با توجه به ماهیت متفاوت قراردادهای مالی، بانک‌های اسلامی با ریسک‌هایی مرتبط با عملیات اجرایی خود روبرو هستند. به دلیل عدم وجود شکل استاندارد قرارداد برای ابزارهای مالی گوناگون، بانک‌های اسلامی اقدام به ایجاد این قراردادها مبتنی بر فهم خود از شریعت، قوانین محلی و نیازها و علائق می‌نمایند. کمبود قراردادهای استاندارد و عدم وجود سیستم قضایی برای حل مشکلات با طرف مقابل در رابطه با نحوه اجرای قراردادها، منجر به افزایش ریسک‌های قانونی مرتبط با قراردادهای اسلامی می‌شود (خان، ۱۳۸۷، ص ۸۱). در بانکداری اسلامی، این ریسک می‌تواند به دلایل زیر باشد:

- عدم اطمینان در قوانین، آیین نامه‌ها و فعالیت‌های قانونی که مربوط به اصول شریعت می‌شود؛
- قانونی بودن ابزارهای مالی اسلامی؛
- صلاحیت قانونی برای وارد شدن به یک معامله (مشرف جوادی، ۱۳۸۸، ص ۱۱).

ریسک دولت

سیطره دولت بر نظام اقتصادی ایران باعث کاهش کارایی اقتصاد از جمله بانکداری شده است. تسهیلات تکلیفی و دستوری و تعیین نرخ سود تسهیلات و سپرده‌ها به‌وسیله دولت و بدون توجه به نرخ سود حاصل از عرضه و تقاضا در بازار باعث افزایش ریسک نقدینگی و ریسک کاهش سپرده برای بانک‌های دولتی ایران شده است. همان‌طور که افزایش بدهی دولت به بانکداری نیز مشکلی مضاعف برای بانکداری ایران پدید آورده است (ابوالحسنی و حسنی مقدم، ۱۳۸۷، ص ۱۵).

ریسک‌های مخصوص به عقود مبادله‌ای

هر چند که روش‌های غیرمشارکتی بانکداری بدون ربا، شبیه به بانکداری متعارف می‌باشد، ولی مستلزم ریسک‌های خاصی است که باید در نظر گرفته شوند.

قرارداد اجاره

ریسک قیمت

اگر مشتری در قرارداد اجاره نکول کند، بانک با ریسک قیمت روبرو می‌شود. در این حالت بانک مجبور است که دارایی را اجاره مجدد دهد یا دارایی را به قیمت بازار بفروشد. قیمت بازار ممکن است پایین‌تر از قیمت توافق شده یا اجاره داده شده باشد. اگر مشتری در قرارداد اجاره به شرط تملیک از ادامه قرارداد منصرف شود یا تصمیم بگیرد که در پایان قرارداد دارایی را از بانک به قیمت بازار خریداری نکند، آنگاه اگر ارزش بازار دارایی از ارزش دفتری آن کمتر باشد، بانک با ریسک قیمت روبرو می‌شود. در هر دو مورد، بخشی از ریسک بانک به‌وسیله ارزش دارایی در تملیک وی و به علت پرداخت اولیه‌ای که به‌وسیله مشتری صورت گرفته است، کاسته می‌شود (El Tiby, 2011, p.53, به نقل از حسین‌پور و کاوند، ۱۳۹۲، ص ۱۱). ذکر این نکته لازم است که این ریسک شباهت فراوانی با ریسک نرخ اجاره دارد اما تفاوت ظریفی که میان این دو نوع از ریسک وجود دارد، آن می‌باشد که ریسک نرخ اجاره نتیجه ریسک قیمت است. به عبارت روشن‌تر در صورتی بانک با ریسک نرخ اجاره روبه‌رو می‌شود که قیمت دارایی مورد اجاره کاهش یافته و بانک در معرض ریسک قیمت قرار گیرد (حسین‌پور و کاوند، ۱۳۹۲، ص ۱۱).

ریسک عدم جمع‌آوری وجوه به میزان کافی

اوراق اجاره، بیشترین ریسک عدم جمع‌آوری وجوه را دارد؛ چرا که در این اوراق، بحث (پیش) خرید و یا اجاره یک یا چند کالا و .. مطرح است که حتماً باید وجوه به میزان کافی جمع‌آوری شود تا بتوان قرارداد را منعقد کرد؛ ولی در اوراق مضاربه و مشارکت که کمترین ریسک عدم جمع‌آوری وجوه را کسب کرده، بحث تجارت و شراکت مطرح است که نیاز ندارد حتماً مبلغ به میزان دقیق جمع‌آوری شود (موسویان، ۱۳۹۲، ص ۲۱).

ریسک نرخ اجاره

در عملیات اجاره، به علت کاهش ارزش دارایی استیجاری در زمان انقضای اجاره یا به علت پایان زودهنگام قرارداد ناشی از نکول پیش از پایان عمر قرارداد، بانک در معرض ریسک نرخ اجاره قرار

می‌گیرد (El Tiby, 2011, p.53). به نقل از حسین‌پور و کاوند، ۱۳۹۲، ص ۱۲). درباره تسهیلات اجاره به شرط تملیک، تغییرهایی در نرخ‌های مبنایی، عدم تعادل در نرخ اجاره بها در قرارداد اجاره به شرط تملیک، به ریسک نرخ اجاره انجامیده و ارزش این نوع از قرارداد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Greuning & Iqbal, 2008, p.158). به نقل از حسین‌پور و کاوند، ۱۳۹۲، ص ۱۲). این ریسک مختص بانکداری اسلامی است. تفاوت این ریسک با ریسک نرخ بازدهی آن است که ریسک نرخ بازدهی نتیجه ریسک نرخ اجاره است؛ یعنی در صورتی که بانک اسلامی با ریسک نرخ اجاره روبرو شود، بازدهی مورد انتظارش تحت تأثیر قرار گرفته و سرانجام با ریسک نرخ بازدهی روبرو می‌شود (حسین‌پور و کاوند، ۱۳۹۲، ص ۱۲).

قرارداد جعاله

قبلاً به توضیح مهم‌ترین ریسک‌های مخصوص این قرارداد پرداخته شد. قراردادهای سلف و سلف موازی ریسک طرف مقابل دو نوع ریسک قابل توجه طرف مقابل در سلف وجود دارد: ریسک طرف مقابل می‌تواند ناشی از ناتوانی در عرضه کالا در موعد مقرر و یا عدم توانایی در عرضه کالا، و یا ناتوانی در ارائه کالا با کیفیت توافق شده در قرارداد باشد. از آنجایی که سلف یک قرارداد مبتنی بر محصولات کشاورزی است، ریسک‌های طرف مقابل می‌تواند ناشی از عواملی فراتر از کیفیت اعتباری معمولی مشتری باشد. به عنوان مثال، ممکن است کیفیت اعتباری مشتری در سطح خوبی قرار داشته باشد، اما عرضه کالا به دلیل حوادث طبیعی در سطح توافق شده قرارداد نباشد. از اینرو محصولات کشاورزی همواره در معرض ریسک حوادث طبیعی قرار دارند و انتظار می‌رود که ریسک طرف مقابل در قرارداد سلف از حد طبیعی بیشتر باشد. قرارداد سلف قابل معامله در بورس و یا خارج از بورس نمی‌باشد. این قرارداد بین دو طرف منعقد می‌گردد، از اینرو تمام قراردادهای سلف با تحویل فیزیکی و مالکیت کالا به پایان می‌رسد. کالاهای مذکور نیازمند انبار می‌باشند و در نتیجه بانک در معرض هزینه‌های انبارداری و سایر ریسک‌های مرتبط با قیمت قرار می‌گیرد. چنین ریسک‌هایی در بانک‌های اسلامی منحصر بفرد می‌باشند (خان، ۱۳۸۷، صص ۸۴-۸۵).

ریسک قیمت

با توجه به ویژگی‌های قرارداد سلف مهم‌ترین ریسکی که این قرارداد با آن روبه‌رو است، ریسک قیمت است. سقوط یکباره قیمت کالای پیش‌خرید شده، باعث ریسک قیمت در قرارداد سلف می‌شود (ابوالحسنی و حسنی مقدم، ۱۳۸۷، ص ۱۷). اگر فروشنده سلف در قرارداد سلف اولیه توان تحویل کالا با شرایط قرارداد را نداشته باشد، بانک مجبور به خرید کالا در بازار به منظور عمل به

تعهدهای خود در سلف موازی است. این امر ممکن است بانک را با ریسک قیمت روبه‌رو کند؛ زیرا اگر قیمت بازار بیشتر از قیمت تعهدشده در قرارداد سلف باشد بانک با چنین ریسکی روبه‌رو می‌شود (حسین‌پور و کاوند، ۱۳۹۲، ص ۱۱).

استفاده از این روش به ویژه در شرایط عدم ثبات قیمت برای بانکداری، ریسک قیمت را افزایش می‌دهد. برای درک بهتر فرض کنید بانک کشاورزی ۱۰۰ واحد سیب را در ابتدای تابستان به قیمت ۶۰ واحد به‌صورت سلف از کشاورز خریداری کرده و کل مبلغ را پرداخت کرده است. بر طبق این قرارداد کشاورز موظف است سیب را سه ماهه به بانک تحویل دهد. اکنون اگر هنگام تحویل سیب از سوی کشاورز (پس از سه ماه) قیمت سیب دچار کاهش شدید شده و به‌طور مثال به ۳۰ واحد برسد، بانک دچار زیان می‌شود. از سوی دیگر بر اثر تورم، ارزش کالاها و دارایی‌هایی که بانک براساس فروش اقساطی در اختیار متقاضی قرار می‌دهد، کاهش می‌یابد. به‌طور مثال فرض کنید بانک صادرات جهت تأمین مالی یک کارخانه، لوازم و تجهیزات خاصی را به ارزش صد واحد به‌صورت فروش اقساطی در اختیار متقاضی قرار می‌دهد و با فرض وجود تورم ۱۰ درصدی در اقتصاد، ارزش مطالبه‌های دریافتی بانک صادرات ۱۰ واحد کاهش یافته و به نود واحد می‌رسد (ابوالحسنی و حسینی مقدم، ۱۳۸۷، صص ۱۲-۱۳).

قرارداد استصناع

ریسک قیمت

بانک اسلامی در صورتی که در قرارداد استصناع موازی با نکول مشتری روبه‌رو شود، مجبور است خریدار دیگری برای کالای ساخته‌شده بیابد و با ریسک قیمت روبه‌رو می‌شود. در بسیاری از این موارد، بانک دارایی قرارداد استصناع را به مشتریان دیگر به قیمت پایین‌تر می‌فروشد در این حالت بانک باید بازگشت زبان‌های واردشده به‌وسیله مشتری را تضمین کند (Greuning & Iqbal, 2008, p.157، به نقل از حسین‌پور و کاوند، ۱۳۹۲، ص ۱۰).

فروش اقساطی

قبلاً به توضیح مهم‌ترین ریسک‌های مخصوص این قرارداد پرداخته شد.

قرارداد مرابحه

ریسک طرف مقابل

در صورتی که قرارداد استاندارد شده باشد، ویژگی‌های ریسک آن شبیه قراردادهای تأمین مالی برمبنای نرخ بهره خواهد بود. برمبنای شباهت در خصوصیات ریسک قرارداد با خصوصیات ریسک قراردادهای مبتنی بر نرخ بهره، مرابحه نوع قابل قبولی از تأمین مالی در تعدادی از حوزه‌های قانونی می‌باشد. هر چند، چنین قرارداد استاندارد نمی‌تواند مورد تأیید تمام مکاتب فقهی باشد و همین امر عامل بروز ریسک طرف مقابل و جو قضای غیرکارآمد برای حل و فصل دعاوی می‌گردد. توجه به این حقیقت قابل توجه است که مرابحه، قراردادی جدید و معاصر می‌باشد. طراحی این قرارداد با ترکیب تعدادی قرارداد متفاوت به وجود آمده است. تمامی مکاتب فقهی در مورد معامله مؤجل بودن مرابحه اتفاق نظر کامل دارند. شرط اعتبار مرابحه این است که بانک کالای مورد نظر را خریداری نموده (مالک شود) و سپس حق مالکیت را به منتقل می‌نماید. تقاضای خرید مشتری یک عقد بیع محسوب نمی‌شود بلکه صرفاً قول خرید می‌باشد. برخی از مکاتب تعهد خرید را برای مشتری الزام‌آور می‌دانند اما برخی معتقدند که مشتری می‌تواند بعد از دستور خرید و پرداخت هزینه از آن سرباز زند. مهم‌ترین دلیل ریسک طرف مقابل در قرارداد مرابحه به دلیل ماهیت نابسامان این قرارداد می‌باشد، که می‌تواند منجر به بروز مشکلات حقوقی شود. مشکل بالقوه دیگر در یک قرارداد فروش مثل مرابحه، تأخیر در پرداخت توسط طرف قرارداد و عدم توانایی بانک‌های اسلامی در مطالبه بیش از مبلغ مورد توافق در قرارداد می‌باشد. عدم پرداخت تعهدات در زمان تعیین شده به وسیله طرف دیگر منجر به ضرر و زیان بانک می‌شود (خان، ۱۳۸۷، صص ۸۳-۸۴).

ریسک قیمت

بانک‌های اسلامی در نتیجه انجام قراردادهای مرابحه و مرابحه وکالتی غیرتعهدی در معرض ریسک قیمت قرار دارند. ریسک قیمت ناشی از این دو نوع قرارداد، زمانی رخ می‌دهد که مشتری توافق برای خرید دارایی از بانک را بر هم زند و بانک نیاز به فروش دارایی‌های خود پیدا کند. چنان‌که قیمت بازار دارایی پایین‌تر از قیمت واقعی آن باشد، ممکن است بانک با زیان روبه‌رو شود (Greuning & Iqbal, 2008, p.157، به نقل از حسین‌پور و کاوند، ۱۳۹۲، ص ۱۱).

خرید دین

ریسک قیمت

در صورت فروش دین پیش از سررسید با نرخ بیشتر از نرخ تنزیل شده به وسیله بانک، ریسک قیمت (بازار) پدید می آید. بانک در این نوع از ریسک یک سند مالی را با نرخ به طور مثال ۲۰ درصد تنزیل کرده و پس از مدتی مجبور می شود به علل گوناگون آن را با نرخ بیشتر دوباره تنزیل کند؛ بنابراین با ریسک قیمت دارایی دینی روبرو می شود (حسین پور و کاوند، ۱۳۹۲، ص ۱۲)

ریسک های مخصوص به عقود مشارکتی

در بانکداری ربوی وام های اعطایی براساس قرارداد قرض با بهره معین است و بانک در ازای پرداخت وام وثیقه می گیرد. در بانکداری بدون ربا، قراردادهای مبادله ای همین ویژگی را دارند؛ یعنی قرارداد با نرخ های سود معین منعقد و در مقابل آن به منظور جلوگیری از هرگونه قصور در زمینه بازپرداخت تسهیلات اعطایی، بانک ها معمولاً به دریافت وثیقه اقدام می کنند؛ ولی در قراردادهای مشارکتی، اولاً نرخ سود نامعین است و ثانیاً به جهت رابطه شراکتی بانک با گیرنده تسهیلات، وثیقه معنا ندارد و بانک همانند گیرنده تسهیلات، صاحب پروژه و سرمایه گذار در پروژه به شمار می رود (محرابی، ۱۳۸۹، ص ۷). ریسک سرمایه گذاری های مشارکتی، ریسک ناشی از ورود بانک های اسلامی در انواع مشارکت ها (به صورت ضامن یا به صورت تأمین کننده بخشی از سرمایه مشارکت) است، به طوری که سرمایه مشارکت، در معرض ریسک فعالیت تجاری قرار گیرد. مدیریت و اعمال روش های تأمین مالی مشارکتی در مقایسه با روش های مرسوم وام دهی در بانک های سنتی، به دلایل زیر پیچیده تر است و به طور کلی باعث ایجاد ریسک عدم تقارن برای این عقود می گردد: انتخاب بد^۱ (قبل از قرارداد): این احتمال وجود دارد که طرح مورد سرمایه گذاری به موقع به سوددهی نرسد یا اصلاً به سوددهی نرسد یا آن گونه که انتظار می رفت، سوددهی نداشته باشد. هر یک از این حالت ها، بانک را با مشکلات عدیده ای مواجه خواهد کرد.

فقدان ابزار قانونی مناسب جهت کنترل عامل یا مضارب

هزینه های مربوط به کنترل و نظارت

خطر اخلاقی^۲ (بعد از قرارداد): این احتمال هست که استفاده کننده از تسهیلات مشارکتی (عامل یا شریک) سود واقعی را گزارش نداده، حتی ادعای خسارت کرده و برای اثبات آن پرونده سازی کند

1. Adverse selection

2. Moral hazard

که از آن به ریسک اخلاقی تعبیر می‌شود (کاظمی نژاد، ۱۳۸۸، ص ۵). عقود مشارکتی خود به دو دسته قراردادهای سهمی از سود و سهمی از محصول تقسیم می‌شود.

قرارداد مضاربه

به طور کلی در این قرارداد نیز در طرف دارایی‌های ترازنامه دو نگرانی اصلی پدید می‌آورد: اولاً مسئله مخاطره اخلاقی، که ممکن است به علت اتخاذ تصمیم‌های پرریسک به وسیله مدیریت بانک اسلامی پدید آید. این ریسک، خارج از انتظارات سرمایه‌گذاران است و آن‌ها تمایل ندارند بانک در جایگاه وکیل، در سرمایه‌گذاری‌ها چنین ریسکی را متحمل شود. ثانیاً مسئله حاکمیت شرکتی؛ به این صورت که دارندگان حساب‌های سرمایه‌گذاری با وجود اینکه متحمل ریسک زیان سرمایه‌گذاری‌هایشان می‌شوند، اما حق نظارت حاکمیتی بر تصمیمات مدیریتی را نداشته؛ در نتیجه ممکن است منافع آن‌ها به خطر بیفتد (طالبی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۶). قبلاً به توضیح مهم‌ترین ریسک‌های مخصوص این قرارداد پرداخته شد.

قرارداد مشارکت مدنی

ریسک امانت

در مشارکت مدنی از بانک انتظار می‌رود تا پالایش و نظارت مناسبی روی سرمایه‌گذاری‌هایی داشته باشد که قصد ورود به آن‌ها را دارد و هرگونه کوتاهی در ارزیابی و نظارت می‌تواند باعث ریسک امانت شود. انتخاب نادرست فرصت‌های سرمایه‌گذاری در قالب مشارکت حقوقی نیز به تحمیل هزینه‌های غیرضروری یا تخصیص هزینه‌های هنگفت به صاحبان حساب‌های سرمایه‌گذاری انجامیده و نشانه تخلف از اجرای شفاف قرارداد است (طالبی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۹).

قرارداد مشارکت حقوقی

ریسک عملیاتی خاص در این قرارداد زمانی است که بانک اسلامی فرصت سرمایه‌گذاری را به درستی انتخاب کرده، اما به علت ضعف سازمان‌های نظارتی در بانک، شریک بانک در مشارکت حقوقی اطلاعات درست به بانک ارائه نمی‌دهد و بانک توانایی تشخیص این مسئله را ندارد. نیز ممکن است شریک بانک اطلاعات مالی را به موقع و به صورت کافی در اختیار بانک قرار ندهد؛ در نتیجه بانک نتواند به موقع و به طور صحیح ریسک‌هایی را که با آن روبرو است، مدیریت کند. نیز در صورتی که بانک سهم شرکت تازه تأسیسی را بخرد، شریک بانک ممکن است کوشش کافی برای

راه اندازی شرکت یا پروژه نداشته باشد و این مسئله بانک را در معرض ریسک قرار می‌دهد (طالبی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۷).

قراردادهای سهمی از محصول

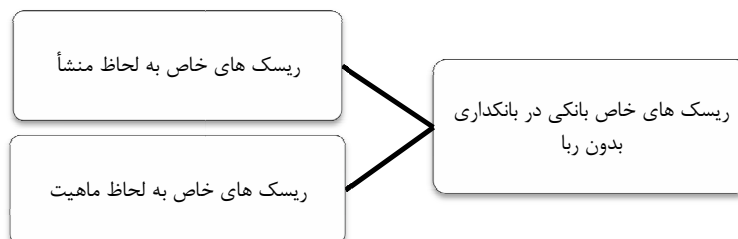
قبلاً به توضیح مهم‌ترین ریسک‌های مخصوص این دو قرارداد پرداخته شد. تقسیم‌بندی ریسک‌های خاص بانکی در بانکداری بدون ربای ایران در مجموع، براساس بررسی‌های فوق می‌توان با توجه به ماهیت عملیات بانکی بدون ربا و با در نظر گرفتن انواع ریسک‌های مختلفی که به طور کلی بانک‌ها را تهدید می‌کند، ریسک‌های مذکور را به گروه‌های زیر تقسیم بندی نمود:

۱. ریسک‌های ناشی از عملیاتی که ماهیتاً تابع موازین و احکام اسلامی نیستند، لکن این عملیات چه در محیط بانک اسلامی و چه در محیط بانک غیر اسلامی یکسان اجرا می‌شوند.
۲. ریسک‌های ناشی از عملیاتی که ماهیتاً تابع موازین و احکام اسلامی هستند، لکن این عملیات چه در محیط بانک اسلامی و چه در محیط بانک غیر اسلامی یکسان اجرا می‌شوند.
۳. ریسک‌های ناشی از عملیاتی که ماهیتاً تابع موازین و احکام اسلامی نیستند، لکن این عملیات فقط در بانک اسلامی اجرا می‌شوند (نجم آبادی، ۱۳۸۱، ص ۶).

اما در مورد گروه دوم و سوم از ریسک‌ها، می‌توان این تقسیم بندی را نیز ارائه کرد: ریسک‌هایی که به لحاظ ماهیت تفاوتی با ریسک‌های مشابه خود در بانکداری متعارف ندارند اما به لحاظ منشأ ایجاد ریسک متفاوت‌اند؛ به عبارت دیگر نتیجه‌ای که برای بانک دارد، در هر دو بانک اسلامی و متعارف متصور است اما عامل ایجاد آن در بانکداری اسلامی فعالیت‌های غیر مشابه می‌باشد.

ریسک‌هایی که نه تنها به لحاظ منشأ ایجاد بلکه به لحاظ ماهیت نیز متفاوت از ریسک‌های بانکداری متعارف می‌باشند؛ به عبارت دیگر نتیجه‌ای که برای بانک دارد، تنها در بانکداری بدون ربا متصور است و در بانکداری متعارف امکان ایجاد چنین ریسک‌هایی برای بانک وجود ندارد. با مقایسه تعاریف ریسک‌ها می‌توان گفت این ریسک‌ها عبارت‌اند از: ریسک‌های عملیاتی، ریسک نرخ بازدهی و ریسک طرف مقابل.

نمودار ۱: تقسیم بندی ریسک‌های خاص بانکی در ایران



(منبع: یافته‌های پژوهش)

نتیجه برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که انواع ریسک‌ها در بانکداری بدون ربا تا حد فراوانی شبیه بانکداری متعارف است و فقط تفاوت‌هایی در سطوح ریسک وجود دارد (Ariffin, Archer & Karim, 2008, p.158). به نقل از حسین پور و کاوند، ۱۳۹۲، ص ۴؛ تفاوت عمده و اصلی بین ریسک‌های دو بانکداری در منشأ ایجاد آن‌ها می‌باشد.

تحلیل پدیده ریسک‌های خاص بانکی در بانکداری بدون ربای ایران

برای بررسی منشأ ریسک می‌توان اقدامات مربوط به هر عمل را گام به گام برشمرد و مخاطراتی که ممکن است در مراحل مختلف، از بدو شروع اقدامات تا خاتمه انجام آن‌ها وجود داشته باشد، مشخص، ارزیابی و کنترل و پیشگیری کرده و آن را در حد لازم کاهش داد (نجم آبادی، ۱۳۸۱، ص ۱۷). با همین رویکرد در این جا می‌خواهیم منشأ ریسک‌های خاص بانکی را با توجه به ماهیت عقود اسلامی و مقایسه آن با نظام بانکی بدون ربای فعلی، تحلیل نموده و نقش و اهمیت ارائه راهکارهای ساختاری را در پوشش ریسک‌های خاص بانکی مورد بررسی قرار دهیم. این بررسی در حقیقت تحلیل کلی پدیده ریسک‌های خاص بانکی در بانکداری بدون ربای ایران می‌باشد که در آن اثرات و نتایج منفی وجود ریسک‌های خاص بانکی به عنوان موانع تحقق اهداف بانکداری بدون ربا توضیح داده می‌شوند.

وجه افتراق بانکداری متعارف و اسلامی

همانطور که می‌دانیم تأمین مالی برای فعالیتهای اقتصادی توسط این دو نوع بانکداری کاملاً متفاوت است؛ ضمناً شیوه تجهیز منابع نیز یکی دیگر از تفاوت‌های اساسی این دو روش تأمین مالی است که در هر دوی آن‌ها متفاوت است. تفاوت اصلی این دو روش بانکداری عمدتاً از شیوه رفتاری حقوقی نشأت می‌گیرد. (مهدوی نجم‌آبادی، ۱۳۸۱، صص ۱۰۲-۱۰۳). به‌طور کلی می‌توان ویژگی‌های بانکداری اسلامی را در مقایسه با بانکداری متعارف در سه اصل خلاصه کرد: اصل اول:

در بانکداری اسلامی مصرف و تجهیز منابع عمدتاً به نحوی انجام می‌شود که طرفین در ریسک و بازدهی مشارکت دارند؛ در حالی که برعکس در بانکداری متعارف، مصرف و تجهیز منابع عمدتاً به صورت وام شکل می‌گیرد. اصل دوم: از لحاظ اصول علمی، معمولاً در سرمایه‌گذاری در هر شکل آن، بازده کمتر با ریسک کمتر و بازده بیشتر با ریسک بیشتر توأم است. ریسک بانکداری متعارف در فعالیت استقراری کمتر است چون در واقع بازده آن نیز کمتر است. ریسک بانکداری اسلامی نیز در فعالیت غیراستقراری بیشتر است، طبعاً بازده آن نیز باید بیشتر باشد. اصل سوم: وثیقه در وام برای پوشش ریسک تجویز می‌شود. در تسهیلات بانکداری اسلامی معمولاً وثیقه در اشکال دیگری مثلاً در شکل تضمین حسن اجرا و وجه التزام، قابل تأمین است (مهدوی نجم‌آبادی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۸). به‌طور خلاصه، در یک جمع‌بندی از پژوهش‌های انجام‌گرفته در این زمینه، مهم‌ترین اصول حاکم بر نظام تأمین مالی اسلامی عبارت‌اند از:

- حرام بودن ربا یا به عبارت دیگر نقش پول به عنوان سرمایه بالقوه
- تخصیص و تجهیز منابع عمدتاً بصورت غیراستقراری
- مشارکت در ریسک و بازدهی یا بازار محوری و به تبع آن فضای استراتژیک بانکداری
- الزام وثیقه‌گیری کمتر

محدودیت اختیارات وام‌گیرنده و لزوم ایفای تعهدات

جان کلام این است که در بانکداری متعارف، دریافت‌کننده منابع از بانک، عمدتاً وام یا تسهیلات گرفته است در صورتی که در بانکداری اسلامی، بانک عمدتاً یک سرمایه‌گذاری انجام داده است (عقیلی کرمانی، ۱۳۸۱). در حقیقت آن چه محور تفاوت این دو نوع شیوه تأمین مالی است، میزان تعامل طرفین قرارداد می‌باشد که در بانکداری اسلامی این تعامل با توزیع سود و زیان یا مشارکت در ریسک انجام می‌شود. ماهیت بسیاری از ریسک‌های خاص بانکی نیز حاکی از لزوم وجود نوعی تعامل و ارتباط میان بانک و طرف دیگر عقد، شامل عقود مشارکتی و مبادله‌ای، می‌باشد. ورود بانک اسلامی در چنین عملیاتی ناشی از همین ماهیت خاص واسطه‌گری مالی اسلامی یا عقود اسلامی است.

منشأ ریسک‌های خاص بانکی در بانکداری بدون ربای فعلی

براساس تعریف ارائه شده از ماهیت بانکداری اسلامی، بانکداری اسلامی در یک فضای استراتژیک کار می‌کند؛ به عبارت دیگر بانک برای تصمیم‌گیری به داشتن اطلاع از آنچه‌گیرنده تسهیلات می‌داند و انجام می‌دهد نیاز دارد. این در حالی است که بانکداری متعارف در فضایی غیر استراتژیک (یا تقریباً غیر استراتژیک) کار می‌کند (حسین زاده بحرینی، ۱۳۹۳). برخی از ریسک‌های خاص

ناشی از اجرای عقود زیر که موسویان (۱۳۹۲) به جمع آوری آن پرداخته است مؤید همین نتیجه می‌باشد:

مشارکت: تکمیل نشدن پروژه در زمان مقرر؛ محقق نشدن ارزش افزوده انتظاری

مضاربه: اجرا نشدن فعالیت تجاری در زمان مقرر؛ محقق نشدن سود انتظاری و قوانین (افزایش واردات)

اجاره: تولیدکننده دارایی را به ناشر نفروشد؛ بانی دارایی را اجاره نکند؛ از بین رفتن کلی یا جزئی

استصناع: تکمیل نشدن پروژه در زمان مقرر؛ تکمیل نشدن پروژه با کیفیت مقرر

مراجه: دارایی؛ استهلاك تدریجی دارایی

تولیدکننده کالا را به واسط نفروشد؛ بانی کالا را نخرد

سلف: بانی، کالا را در سررسید به ناشر تحویل ندهد؛ به فروش نرفتن کالا در سررسید در بازار و یا فروش به کمتر از قیمت اوراق

این تفاوت‌های ماهوی موجب می‌شوند که ریسک فعالیت‌های بانکی در هر دو روش بانکداری به‌صورتی متفاوت بین سپرده‌گذاران و صاحبان سرمایه آن‌ها توزیع شود (مهدوی نجم‌آبادی، ۱۳۸۱، صص ۱۰۲-۱۰۳). بانکداری اسلامی مصرف و تجهیز منابع خود را عمدتاً به‌صورت غیراستقراضی انجام می‌دهد و لذا، توزیع ریسک در این دو نظام متفاوت است. در حقیقت تفکر اقتصاد اسلامی رابطه برنده-بازنده را نمی‌پذیرد و طرفین را به شیوه‌ای از رفتار اقتصادی فرا می‌خواند که ضمن سهیم بودن در منافع آن، هر دو طرف مسئولیت زیان‌های احتمالی را بپذیرند. این نگرش در کلیه قراردادهای اسلامی که ابزار کار بانکداری اسلامی است و اساساً عقود فقهی هستند، قابل ملاحظه است. بنابراین، می‌توان گفت از نظر تئوری یک بانکداری اسلامی امکان واگذار نمودن ریسک هیچ یک از فعالیت‌های خود را به طرف مقابل ندارد و نوع انتقال ریسک بستگی به نوع عقد دارد که مبادله‌ای یا مشارکتی باشد (عادل رستخیز، ۱۳۹۰، ص ۶۸). اما در بانکداری متعارف، تسهیلات اعطایی همه بر اساس قرارداد قرض با بهره معین است و بانک در مقابل آن وثیقه می‌گیرد (مختاری، ۱۳۹۲، ص ۴۱). در این بانکداری تقریباً قسمت اعظم ریسک به گیرنده تسهیلات منتقل می‌شود و هنگامی که وام داده می‌شود، رابطه بانک با گیرنده تسهیلات قطع می‌شود، اما در بانکداری اسلامی، به ویژه در عقود مشارکتی، رابطه تنگاتنگی بین بانک و تسهیلات گیرنده وجود دارد. وقتی که بانک‌های اسلامی مبادرت به تأمین مالی مشارکتی می‌نمایند، امکان قصور شریک بانک که تسهیلات مالی مشارکتی را دریافت کرده، تا قبل از انقضای مدت قرارداد و در صورت عدم تخلف او قابل تصور نیست. هنگامی که قراردادها با قصور یا عدم پرداخت مواجه می‌شوند، اعمال هرگونه جریمه توسط مؤسسات مالی (به جز در مواردی که تعدی بودن آن اثبات شود) ممنوع

است. بنابراین بانک‌های اسلامی در عقود مشارکتی مانند مضاربه و مشارکت، با ریسک اعتباری بسیار بالایی روبرو هستند (کاظمی نژاد، ۱۳۸۸، ص ۵).

به‌طور کلی بانکداری بدون ربا با اتکای بر فعالیت‌های سرمایه‌گذاری در معرض کلیه ریسک‌ها به شفافیت محیط مالی و اقتصادی بستگی دارد (کدخدایی، ۱۳۸۰، ص ۵). به کارگیری جنبه‌های منحصر بفرد بانکداری بدون ربا در روش‌های مختلف تأمین مالی، ماهیت ریسک‌های بانکداری بدون ربا را نیز تغییر داده است. بر این اساس بررسی کارشناسانه تجربه بانکداری بدون ربا در ایران، آثار ناشی از وجود ریسک را در زمینه‌های مختلفی بیان می‌کند، از قبیل: نیاز به اطلاعات تخصصی و حرفه‌ای (فنی، تولیدی، صنعتی، کشاورزی) برای ارزیابی پروژه نظارت بر عملیات شرکا، عدم وثیقه‌گیری در مضاربه و مشارکت، نیاز به روش‌های کاربردی در زمینه وام‌های بانکی، آسیب‌پذیری از روند فزاینده تورم و نوسان وام‌های بانکی، آسیب‌پذیری از روند فزاینده تورم و نوسان ارزش پول، عدم پذیرش ریسک معاملاتی توسط سپرده‌گذاران و نیاز به تنوع ابزار پوشش ریسک مشابه بانکداری متعارف (کدخدایی، ۱۳۸۰، صص ۷-۸). در نهایت ریسک‌های بانکی به عنوان موانع اجرای عملیات بانکداری بدون ربا، اجرای این عملیات را پرخطرتر، یا کم‌منفعت‌تر از بانکداری متعارف می‌نماید.

در واقع بانکداری بدون ربا به شکل کنونی قاعده‌تاً نباید در فعالیت‌های اقتصادی به‌صورت حضوری نقش ایفا نماید؛ انجام این نقش طبعاً مقداری ریسک مباشرت و بعضاً ریسک مالکیت یا مشارکت را برای بانک دربر خواهد داشت. به‌طور کلی ریسک‌های ناشی از امور مالکیت یا در واقع ریسک مشارکت و همچنین ریسک مباشرت اساسی‌ترین ریسک‌های متفاوت می‌باشند (مهدوی نجم‌آبادی، ۱۳۸۱). اما عدم توجه به کارکردها و ماهیت خاص عقود و نحوه درست اجرای آن در جامعه اسلامی که اقتضای تعامل و نظارت بیشتر طرفین قرارداد را دارد و در نتیجه مواجهه عملیات بانکداری بدون ربا با ریسک‌های متعدد، موجب ناکارآمدی بانکداری و ناتوانی در حفظ ماهیت بانکداری اسلامی شده و نتایج و اثرات منفی ساختاری از خود به جای گذاشته است.

- نتایج و اثرات وجود ریسک‌های خاص بانکی در بانکداری بدون ربای فعلی
- نتایج و اثرات منفی وجود ریسک‌های خاص در بانکداری بدون ربای ایران را می‌توان به‌صورت زیر بیان نمود:

دریافت سود ثابت

بانکداری بدون ربا در یک فضای استراتژیک به فعالیت می‌پردازد؛ نتیجه این امر این است که سود بانک اسلامی (در عقود مشارکتی) به‌صورت درونزا تعیین می‌شود؛ یعنی وابسته به عملکرد مشتری (گیرنده تسهیلات) و سود یا زیان واقعی است که او ابراز می‌کند. در سیستم بانکداری غیر ربوی، به خاطر وجود مشکل انتخاب بد و خطر اخلاقی، دائماً با مسأله اثبات پذیری^۱ مواجه می‌شود؛ در این جا طبق نظریه بازی‌ها بهترین استراتژی برای بانک، ورود مشروط به بازی مشارکت واقعی است؛ یعنی تعارض از این جا آغاز می‌شود که بانک‌ها به ناچار به‌طور غیررسمی به قرض ربوی بازگشت می‌کنند. این امر به دوصورت انجام می‌شود: یا از طریق تمرکز بر عقود مبادله‌ای و یا محتوا زدایی از عقود مشارکتی (حسین زاده بحرینی، ۱۳۹۳).

اگر بانک به‌صورت واقعی در یک پروژه شریک شود، هرگونه خطر یا زیان عمدی و غیرعمدی که در مورد پروژه ممکن است رخ دهد، منابع بانک را تهدید می‌کند و از آنجا که منابع بانک برای خودش نیست و متعلق به سپرده‌گذاران است و درجه ریسک‌پذیری سپرده‌گذاران معمولاً کم است، پذیرش این میزان ریسک برای بانک اساساً امکان‌پذیر نخواهد بود. از آنجا که بانک نمی‌تواند این میزان از ریسک را بپذیرد بندهای موجود در قرارداد را طوری تغییر می‌دهد تا در حد امکان همه ریسک‌های موجود در پروژه را به مشتری منتقل کند و به دریافت سود ثابت اکتفا می‌کند (مختاری، ۱۳۹۲، ص ۸۵). محتوا زدایی از عقود مشارکتی نیز خود را به‌صورت عملکرد عقود ترکیبی نشان می‌دهد که ساختار اصلی بانکداری ایران را شکل می‌دهد. این قراردادها با نگاه شبیه سازی بانکداری مبتنی بر بهره طراحی شده‌اند و لذا در عمل تقریباً همان آثار نظام بهره را بر جا می‌گذارند. عدم توجه طراحان بانکداری به فلسفه احکام، اصل عدالت در قراردادها و نتایج و آثار حاصل از عقود خود ساخته، باعث شده تا بانکداری ایران اولاً پیچیده و ناکارآمد باشد و ثانیاً از شبهه ربوی بودن رنج ببرد. (علوی، ۱۳۸۸، ص ۵۴).

به‌طور کلی در ایران بانک بدون ربا به تبعیت از نظام تأمین مالی غرب، وجوه صاحبان سرمایه را ضمانت می‌کند و در مقابل در اعطای تسهیلات در ریسک زیان، مشارکت نمی‌کند و حتی سودی معین را نیز شرط می‌کند. این توزیع ناعادلانه ریسک و بازده که در هر دو طرف تجهیز و تخصیص

1. verifiability

منابع از طرف بانک‌های ایران صورت می‌گیرد باعث شده تا اصطلاح بانکداری اسلامی تنها به شکل یک تغییر اسم در اذهان مطرح شود (علوی، ۱۳۸۸، ص ۷۰). وجود ریسک‌های خاص بانکی متعدد و استفاده از عقود گوناگون و پیچیدگی‌های خاص آن‌ها باعث شده تا بانکداری بدون ربای فعلی بدون توجه به ماهیت این عقود، همان نظام بهره را در قالب عقود شرعی پیگیری کند (علوی، ۱۳۸۸، ص ۳۰).

تمرکز هرچه بیشتر بر عقود مبادله‌ای

همان طور که اشاره شد یکی از راهکارهای بازگشت غیررسمی به قرض ربوی و فضای غیر استراتژیک بانکداری، تمرکز بیشتر بر عقود مبادله‌ای می‌باشد. در بانکداری ربوی وام‌های اعطایی براساس قرارداد قرض با بهره معین است و بانک در ازای پرداخت وام وثیقه می‌گیرد. در بانکداری بدون ربا، قراردادهای مبادله‌ای همین ویژگی را دارند؛ یعنی قرارداد با نرخ‌های سود معین منعقد و در مقابل آن به منظور جلوگیری از هرگونه قصور در زمینه بازپرداخت تسهیلات اعطایی، بانک‌ها معمولاً به دریافت وثیقه اقدام می‌کنند (محرابی، ۱۳۸۹، ص ۷). البته لازم به ذکر است که در حوزه عقود مبادله‌ای هم بانک‌ها به طریق دیگری قانون عملیات بانکی بدون ربا را بلااجرا گذاشتند. چالش پیش روی بانک در این مورد عبارت بود از چگونگی کسب اطمینان از وقوع معامله مورد ادعای مشتری (حسین زاده بحرینی، ۱۳۹۳)؛ و به طور کلی ریسک‌های خاص اجرای این عقود که ناشی از عدم توان برقراری ارتباط و تعامل با مشتری می‌باشد.

افزایش بنگاهداری یا کاهش شمولیت مالی

با توجه به این امر که در بانکداری بدون ربا با اعطای تسهیلات (سرمایه گذاری) بانک تا تکمیل طرح و بازپرداخت تسهیلات راه خروج ندارد، بنابراین اگر طرح سودآور نباشد و به هر دلیل دیگر بازپرداخت صورت نپذیرد، بانک تسهیلات دهنده مشکلات عدیده خواهد داشت. تحت این روش بانکداری، موضوع بررسی اولیه و نحوه تصویب تسهیلات بسیار با اهمیت شده و بانک‌ها فقط راضی به قبول حداقل ریسک می‌شوند. یا به عبارت دیگر فقط کسانی که سابقه موردنظر بانک را داشته، اطلاعات کافی داخلی و خارجی نسبت به حال و آینده طرح موردنظر داشته و از سایر شرایط لازم برای استفاده از تسهیلات برخوردار باشند می‌توانند از تسهیلات بانکی استفاده نمایند. بدین ترتیب در این سیستم به صورت ناخودآگاه روشی را انتخاب نموده‌ایم که متقاضیان تسهیلات را محدود کرده و احتمالاً به سرمایه گذاری در کشور لطمه زده‌ایم (عقیلی کرمانی، ۱۳۸۱، ص ۵).

این موضوع منجر به کاهش شمولیت مالی نیز می‌شود؛ طبق تعریف OECD شمولیت مالی عبارتست از فرایند توسعه دسترسی کافی، به هنگام و با هزینه کم به خدمات و محصولات مالی و کمک به افزایش استفاده از آن توسط عموم افراد جامعه. خدمات و محصولات مالی شامل: داشتن حساب بانکی، امکان پس انداز و سرمایه گذاری، اخذ اعتبار، خدمات بیمه‌ای (به ویژه بیمه عمر)، سازمان ملل، ۳ هدف اصلی برای توسعه شمولیت مالی بیان کرده است:

- ایجاد دسترسی با هزینه معقول برای خانوارها به دامنه وسیعی از خدمات مالی شامل پس انداز و سپرده‌گذاری، خدمات انتقال و پرداخت، خدمات اعتباری و بیمه.
- نهادهای مالی شفاف و امن که توسط استانداردهای عملکردی و مقررات شفاف خدمات ارائه می‌دهند.
- ثبات و پایداری مالی و نهادی به منظور ایجاد اطمینان از ادامه دار بودن ارائه خدمات و امنیت سرمایه‌گذاری (به نقل از سعیدی، ۱۳۹۴).

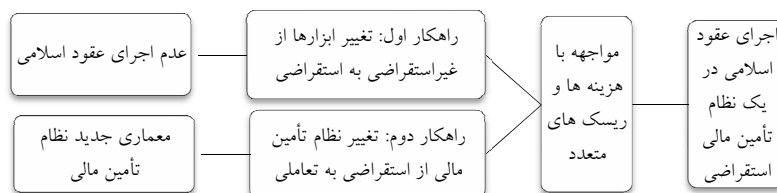
در حقیقت ریسک‌های بانکی، بانک‌ها را به سمت افزایش بنگاه داری یا کاهش شمولیت مالی سوق داده و امکان تخصیص بهینه منابع را کاهش می‌دهد؛ در حقیقت بنگاه داری را به عنوان راهکاری برای پوشش ریسک‌های بانکی اتخاذ می‌کنند.

نتیجه‌گیری

ظاهر فعالیت‌های بانک‌های اسلامی، به ویژه فعالیت‌های اعتباری آن‌ها نشان می‌دهد که این بانک‌ها، درگیر ریسک‌هایی بیش از ریسک‌های متداول در بانک‌های متعارف هستند. همین امر موجب شده است که نظریه پردازان به این باور برسند که بانک‌های اسلامی، در مقام مقایسه با بانک‌های متعارف، برای مقابله با ریسک بار سنگینی را بر دوش می‌کشند و با مشکل جدی در این زمینه روبرو می‌باشند (مهدوی نجم‌آبادی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۹). در این پژوهش در جهت ریشه‌یابی مشکل مزبور، سعی شد تا این مشکل هم به صورت جزئی و هم به صورت کلی و مبنایی مورد بحث و تحلیل قرار گیرد. ریشه اصلی مشکل عدم تحقق کامل بانکداری اسلامی در کشور ما در سه دهه گذشته غفلت یا تغافل بانک مرکزی و مدیران شبکه بانکی از ماهیت استراتژیک یا به عبارت دیگر لزوم تعامل طرفین در فضای عملیاتی بانکداری بدون ربا می‌باشد (حسین زاده بحرینی، ۱۳۹۳). اقتضای ماهیت اصلی عقود اسلامی، تعامل طرفین می‌باشد و طبعاً ریسک بانکداری فعلی بدون ربا نیز در این نوع فعالیت بیشتر است؛ چرا که بانکداری فعلی ظرفیت و توان حفظ این ماهیت عقود اسلامی را نداشته و همواره با ریسک‌های متعدد بانکی مواجه خواهد بود. بنابراین در این وضعیت دو راهکار وجود دارد: راهکار اول اینکه با تغییر ماهیت عملیات بانکی، هزینه‌ها و ریسک‌های خود را

کاهش دهد و راهکار دوم اینکه با تغییر نظام تأمین مالی، یک معماری جدید متناسب با ماهیت عقود اسلامی ارائه نماید.

مدل مفهومی ۱: راهکارهای ساختاری پوشش ریسک‌های خاص بانکی



(منبع: یافته‌های پژوهش)

اما بانکداری بدون ربای فعلی ترجیح می‌دهد به‌طور غیررسمی به قرض ربوی بازگشت کرده، بر عقود مبادله‌ای تمرکز کند و یا با افزایش بنگاه داری، شمولیت مالی را کاهش دهد
مدل مفهومی ۲: نتایج و اثرات منفی وجود ریسک‌های خاص بانکی در بانکداری بدون ربای فعلی

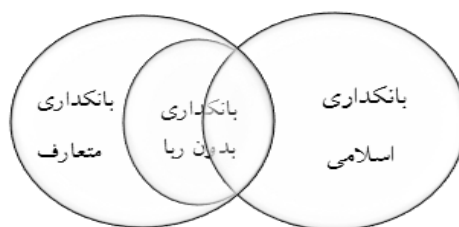


(منبع: یافته‌های پژوهش)

این امر در حقیقت به دلیل تفاوت ماهوی دو بانکداری اسلامی و متعارف می‌باشد و به نظر می‌رسد به دلیل وجود این ریسک‌های متعدد در اجرای عملیات بانکداری بدون ربای فعلی و آثار و نتایج آن‌ها، عملاً بسیاری از عملیات بانکداری بدون ربا، مشابه عملیات بانکداری متعارف است؛ به‌طور کلی می‌توان گفت عملاً بانکداری بدون ربای فعلی الگوی خاص یا مدل تعدیل شده‌ای از بانکداری متعارف می‌باشد. عادل رستخیز (۱۳۹۰) علت این مسأله را با توجه به مصاحبه و دریافت نظرات طیف بالای نخبگان مالی، احاطه نسبی بانکداری متعارف بر بانکداری بدون ربا و یا عدم نظام‌سازی مالی در اقتصاد اسلامی می‌داند؛ زیرا ابتدا بانک‌های متعارف با تعریف و چارچوب مشخص ایجاد شده و در ادامه بانکداری بدون ربا تأسیس شده‌اند و ناچار هستند در ادامه راه قرار بگیرند. در واقع اندیشه‌وران مسلمان از جمله طراحان بانکداری بدون ربای ایران، درصدد این بودند که الگوی

جامع و واحدی طراحی کنند تا بتوانند جایگزین کامل بانکدای متعارف باشد؛ اما از این نکته اساسی غفلت کرده‌اند که اسلام با تحریم قرض با بهره، انواعی از معامله‌های حقیقی چون بیع نسبه، سلف، تنزیل، اجاره، جعاله، شرکت، مضاربه، مزارعه، مساقات، و صلح را تأیید کرده که ماهیت‌های به‌طور کامل متفاوتی دارند و در یک قالب مالی نمی‌گنجد. روشن است که جمع کردن این معامله‌های متنوع با احکام و ضوابط گوناگون در قالب بانکداری فعلی، علاوه بر شبه ربوی کردن کل سیستم، سبب پیچیده و مبهم شدن عملیات، صوری شدن قراردادهای، بالا رفتن هزینه‌های نظارت و کنترل و سرانجام غیرکارآ شدن بانکداری می‌شود (علوی، ۱۳۸۸، ص ۵۰). به نظر می‌رسد بانکداری بدون ربا تا حد زیادی در امر نوآوری ناموفق بوده و نمونه‌ای از بانکداری متعارف است؛ به عبارت دیگر اشتراک بانکداری بدون ربای فعلی در عمل با بانکداری اسلامی به میزان همان اشتراک بانکداری متعارف با بانکداری اسلامی است؛ شکل زیر رابطه بین این سه نوع بانکداری را در عمل نشان می‌دهد:

شکل ۲: رابطه مفهومی بین سه نوع بانکداری



(منبع: یافته‌های پژوهش)

به‌طور کلی به این نتیجه رسیدیم که اولاً مشکل اصلی بانکداری بدون ربا در اجرای حقیقی عقود اسلامی و انجام واسطه‌گری مالی در جهت تحقق اهداف تأمین مالی اسلامی، مسأله ریسک‌های بانکی و پوشش آن‌ها می‌باشد؛ این ریسک‌ها در واقع موانع تحقق اهداف بانکداری بدون ربا می‌باشند. ثانیاً از آنجایی که روش‌های تجهیز و تخصیص منابع پولی در بانکداری بدون ربا از زمینه سرمایه‌گذاری برخوردارند لذا منشأ ریسک متفاوتی داشته و مدیریت ریسک ویژه‌ای را نیز طلب می‌کنند (کدخدایی، ۱۳۸۰، ص ۵). در حقیقت نباید صرفاً به دلیل ماهیت یکسان ریسک‌ها از روش‌های مشابه و یکسان مدیریت ریسک استفاده نمود؛ مسأله ریسک‌های خاص بانکی در ایران، به دلیل جایگاه و منشأ خاص خود، در حقیقت مسأله‌ای مبتنایی بوده و ریشه در ساختار نامتناسب بانکداری بدون ربای فعلی با عملیات خاص بانکی خود، دارد و بر این اساس باید یک راهکار کلی و ساختاری نیز برای پوشش آن‌ها ارائه شود؛ به عبارت دیگر جهت جلوگیری از اثرات و نتایج

منفی وجود ریسک‌های خاص بانکی، لازم است معماری دیگری از واسطه‌گری مالی ارائه کرد به‌طوری که متناسب با ماهیت عقود اسلامی و اهداف آن‌ها بوده و ضمن ایجاد زمینه اجرای حقیقی عقود اسلامی با ریسک‌های کمتری نیز مواجه گردد.

منابع

۱. ابوالحسنی، اصغر، حسنی مقدم، رفیع، "بررسی انواع ریسک و روش‌های مدیریت آن در بانکداری بدون ربای ایران"، اقتصاد اسلامی، شماره ۳۰، ۱۳۸۷
۲. ابوترابی، محمدعلی، زنده دل شهرنوی، هدی، رضایی مقدم، نسیرین، "بررسی ظرفیت‌های نوآورانه عقودهای اسلامی و نقش آن در رشد اقتصادی"، قم، اقتصاد اسلامی، ش ۵۶، ۱۳۹۳، صص ۵-۳۵
۳. تسخیری، محمدعلی، "دلیل نفی غرر و میزان اثرگذاری آن بر معاملات"، دوفصلنامه فقه مقارن، شماره ۱، ۱۳۹۲
۴. حسن زاده، علی، سپهری، کامران، "مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی"، تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۰۶، ۱۳۸۳، صص ۹۱-۱۰۱
۵. حسین پور، محمد، کاوند، مجتبی، "تحلیل و اولویت بندی ریسک‌های مالی در بانکداری بدون ربا"، اقتصاد اسلامی، شماره ۴۹، ۱۳۹۲
۶. حسین زاده بحرینی، محمدحسین، "چرا قانون عملیات بانکی بدون ربا در سه دهه گذشته اجرا نشد؟"، تهران، مؤسسه عالی بانکداری ایران، بیست و پنجمین همایش بانکداری اسلامی، ۱۳۹۳
۷. خان، طریق الله، احمد، حبیب، "مدیریت ریسک و بررسی عوامل بروز آن در صنعت خدمات مالی اسلامی"، ترجمه سید محمد مهدی موسوی بیوکی و مجید خادم الحسینی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۷
۸. زمان زاده، حمید، "طرح تحول نظام بانکی: از شناسایی ریشه معضلات تا ارائه راهبرد اصلاحی"، تازه‌های اقتصاد زمستان، شماره ۱۳۰، ۱۳۸۹
۹. سعیدی، علی، "نقش صندوق‌های قرض الحسنه در توسعه شمولیت مالی"، تهران، نخستین همایش مالی اسلامی، دی ماه ۱۳۹۴
۱۰. سویلم، سامی ابراهیم، "پوشش ریسک در مالی اسلامی"، ترجمه عسکری، محمد مهدی، عزیززاده اصل، محمد، حاجی رستم لو، مهدی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۶
۱۱. شاه‌رخ، غلامرضا، "نظری اجمالی بر انواع ریسک بانکی، مدیریت ریسک و نظارت مبتنی برریسک"، بانک و اقتصاد، شماره ۷۸، ۱۳۸۵
۱۲. طالبی، محمد، کاوند، مجتبی، حسین پور، محمد، "تحلیل و رتبه بندی ریسک‌های عملیاتی در بانکداری اسلامی (مطالعه موردی: بانکداری بدون ربا در ایران)"، اقتصاد اسلامی، شماره ۴۴، ۱۳۹۰

۱۳. عقیلی کرمانی، پرویز، "مدیریت ریسک در بانکداری سنتی در مقایسه با بانکداری بدون ربا"، تهران: مؤسسه عالی بانکداری، مجموعه مقالات سیزدهمین همایش بانکداری اسلامی، ۱۳۸۱
۱۴. علوی، یحیی، "بانکداری بدون ربا، چالش‌های و راهکارها"، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۸
۱۵. عیوضلو، حسین، میسمی، حسین، "نقش نظام بانکداری اسلامی در ایجاد ثبات ملی در سطح کلان"، تازه‌های اقتصاد، ویژه نامه بانکداری اسلامی، ۱۳۹۰
۱۶. کاظمی نژاد، فاطمه، "تفاوت توزیع ریسک در دو نظام بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف"، بانک و اقتصاد، شماره ۱۰۱، ۱۳۸۸
۱۷. کدخدایی، حسین، "پدیده ریسک در بانکداری اسلامی"، بانک و اقتصاد، شماره ۱۶، ۱۳۸۰، صص ۲۱-۱۴
۱۸. محرابی، لیلا، "مدیریت ریسک در نظام بانکداری بدون ربا با تأکید بر ریسک اعتباری"، تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۳۰، ۱۳۸۹
۱۹. مختاری، حسین، "تبیین نقش و جایگاه عقود مشارکتی در معماری نظام مالی ایران"، دانشگاه امام صادق (ع)، پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۲
۲۰. مشرف جواد، محمد حسین، "ریسک در بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی (با رویکردی بر ریسک قانونی)"، بررسی‌های بازرگانی، شماره ۳۸، ۱۳۸۸
۲۱. موسویان، سیدعباس، وثوق، بلال، فرهادیان آرانی، علی، "شناخت و رتبه بندی ریسک‌های ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)"، اندیشه مدیریت راهبردی، شماره ۱۳، ۱۳۹۲، صص ۲۱۲-۱۸۷
۲۲. نجم‌آبادی، سیدحسین، "تفاوت‌های اساسی توزیع ریسک در دو نظام بانکداری اسلامی و سنتی"، تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران، مجموعه مقالات سیزدهمین همایش بانکداری اسلامی، ۱۳۸۱، صص ۹۳-۱۲۹
23. Van Greuning, Hennie, and Zamir Iqbal. "Risk analysis for Islamic banks." Washington, d.c, World Bank Publications, 2008

